

## شیوه‌های عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه اسلامی در انقلاب

اسلامی (۱۳۴۲-۵۷)

دکتر عباس کشاورز شکری\*

محمد رحمتی\*\*

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۱۸

### چکیده

یکی از جنبه‌های مهم انقلاب اسلامی، که از چشم محققان، چه در داخل و چه در خارج تا حدود زیادی مغفول مانده است، چگونگی شیوه‌های جذب و عضوگیری گروه‌های انقلابی است. سؤال اصلی این مقاله چگونگی شیوه‌های عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه اسلامی در انقلاب اسلامی است. روش مورد استفاده کیفی و از نوع پژوهش تاریخی و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های

abbaskeshavarz1@yahoo.com

\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد.

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد

عمیق است. در جایی که از طریق مصاحبه گردآوری داده ممکن نبوده است از روش مکمل تحلیل اسنادی نیز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کاربزمای امام (ره) به عنوان مرجع تقلید و شخصیت ایده‌آل رهبران اصلی گروه، هم در شکل‌گیری مؤتلفه و هم در جذب افراد، بسیار مؤثر بوده است. نوعاً افرادی هم که جذب می‌شدند از طیف بازاریان سنتی و متدین بودند. (به صورت ناخواسته‌ای) مؤتلفه در جذب اقشار دیگر چندان موفق نبوده است. وضعیت اجتماعی گروه در جامعه خوب بوده است و این امر در جذب گروه بسیار مؤثر بوده است. مدل عضوگیری گروه، با توجه به توصیه‌های امام (ره) بومی و منحصر به فرد (برادر یابی در هیئت‌ها) بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** انقلاب اسلامی، هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، شیوه‌های

عضوگیری.

## مقدمه

گروه‌ها و سازمان‌ها می‌توانند نقش مهمی در سازماندهی و جریان سازی در طول هر انقلابی داشته باشند، به طوری که می‌توان ادعا کرد معمولاً بسیج مردمی منتج به انقلاب، حاصل فعالیت‌های چندین سال‌ه این گروه‌ها است. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و گروه‌های گوناگون در طول انقلاب با اهداف و روش‌های متفاوتی در حال مبارزه با رژیم پهلوی بوده‌اند. آنچه در این میان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و محققان انقلاب اسلامی چه در داخل و چه در خارج بندرت بدان نپرداخته‌اند، چگونگی شیوه‌های جذب و عضوگیری این گروه‌هاست. احزاب و گروه‌ها در پی تأثیرگذاری بر محیط اطراف خود هستند و به همین دلیل نیازمند داشتن ارتباط با دیگران هستند که این امر از طریق گسترش حلقه‌های اعضا و هواداران صورت می‌گیرد (بلاندل، ۱۹۹۰). قدرت یک گروه بر اثر عوامل متعددی تعیین

می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: میزان عضویت، منابع مالی، کیفیت رهبری، ظرفیت سازمانی (وجود کادرهای سازمان یافته در سطح وسیع)، پیوستگی وضعیت گروه و تناسب ایدئولوژیکی گروه (یا حزب) با ایدئولوژی جامعه (پالمر و دیگران، ۱۳۷۱: ۵۲). در طرح مفهومی گابریل آلموند (آلموند و کلمن، ۱۹۶۰)<sup>۱</sup> عضوگیری یکی از مهم‌ترین نقش‌های همه سیستم‌های سیاسی است. به علاوه همان‌طور که لستر سلینگمن اشاره می‌کند عضوگیری نقشی است که "گروه‌های سیاسی به عنوان یک نقش خاص و بعضاً منحصر به فرد بازی می‌کنند". نقش گروه‌های سیاسی در فرایند عضوگیری طیف وسیعی از کارکنان (اعضاء، فعالان، مقامات رسمی...) و نقش‌ها و متغیرها (محیطی، سازمانی و شخصی) را شامل می‌شود (Seligman, 1967: 315)<sup>۲</sup>.

یکی از سؤالات مهم در انقلاب ایران آن است که چگونه گروه‌ها و احزاب موفق می‌شوند افراد را جذب و عضوگیری کنند به طوری که افراد عادی از سیر عادی زندگی خود خارج شده و نه تنها مزدی بابت این کار دریافت نکنند، بلکه گاه جان خود را نیز فدای اهداف سازمان نمایند. البته این موضوع با توجه به اینکه بُعد ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی بسیار پررنگ‌تر از انقلاب‌های دیگر بوده است اهمیت بیشتری به خود می‌گیرد.

در این تحقیق به نحوه عضوگیری هیات‌های مؤتلفه اسلامی پرداخته می‌شود. علت اصلی انتخاب مؤتلفه آن است که این گروه بر خلاف گروه‌های دیگر چه در مقام افکار، چه در عملکرد، چه در وابستگی و حمایت، چه در نوع رهبری و چه در ترکیب و قالب سازمانی، یک مدل کاملاً بومی بوده که نه شکل حزبی و سازمانی به خود گرفته و نه به دنبال تقلید نظری و عملی از سازمان‌ها و احزاب غربی بوده است.

---

<sup>۱</sup> Almond and coleman  
<sup>۲</sup> Seligman

## روش انجام تحقیق

در این تحقیق از تکنیک‌های روش تحقیق کیفی استفاده شده است. ریچاردسون پژوهش کیفی را «تلاشی برای درک و شناخت یک پدیده از جهات و زاویه‌های گوناگون و درگیر شدن در فرایندی شبیه متبلور کردن پدیده مورد بررسی» می‌داند. در واقع در روش کیفی باور بر آن است که واقعیت‌ها در جامعه ساخته می‌شوند و محقق باید با نگاهی نزدیک و فرایندی به مطالعه پدیده‌ها بپردازد، در حالی که بسیاری از پژوهشگران کمی، رسالت خود را کشف واقعیت‌های از پیش موجود بین پدیده‌ها می‌دانند» (دلاور، ۱۳۷۴: ۲۵۹). با سیری در روش‌های کیفی، مناسب‌ترین روش برای این موضوع روش پژوهش تاریخی تشخیص داده شد که به عنوان مکمل از روش تحلیل اسنادی نیز استفاده شده است. ابزار اصلی مورد استفاده در این تحقیق مصاحبه عمیق است که از جمله ابزار روش‌های کیفی است. البته جهت غنا بخشیدن به مصاحبه‌ها یا در صورتی که به افراد مورد نظر دسترسی نبود از روش تحلیل اسنادی مثل خاطرات و کتاب‌ها و غیره نیز استفاده شد.

## مدل نظری

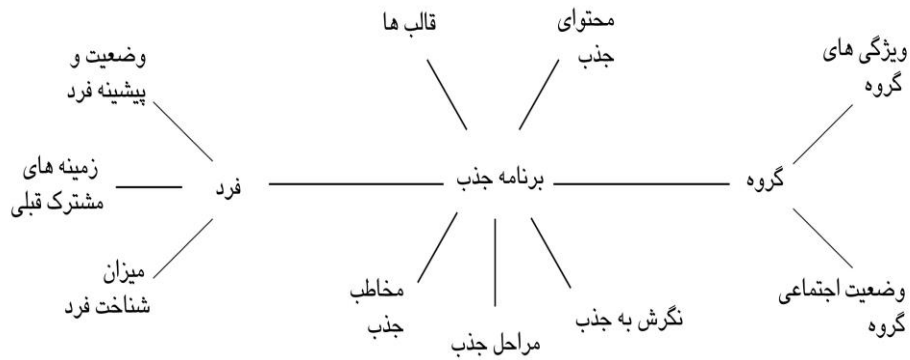
با توجه به اینکه در روش کیفی «هدف تحقیق... بیش از آنکه چیزی باشد که از پیش می‌دانیم (برای مثال نظریه‌هایی که پیش از این صورت‌بندی شده‌اند) کشف و پروراندن نظریه‌های جدید، و نظریه‌هایی است که بنیان تجربی دارند» (اووه، ۱۳۸۸: ۱۷).

«تغییرات سریع اجتماعی و در نتیجه آن تنوع زیست جهان‌ها به شکل روز افزونی محققان اجتماعی را با زمینه‌های اجتماعی و دیدگاه‌های جدیدی

مواجه می‌کنند. این مسائل به قدری برای آنان نوظهورند که روش‌های قیاسی سنتی‌شان - استخراج سؤال‌ها و فرضیات تحقیق از الگوهای نظری و آزمون آنها در برابر شواهد تجری - به واسطه گوناگونی موضوعات، دیگر پاسخگو نیست. از این رو، تحقیق اجتماعی به شکل فزاینده‌ای وادار به استفاده از استراتژی‌های استقرایی شده است. برای مطالعه زمینه‌های اجتماعی به جای شروع پژوهش از نظریه‌ها و آزمون آنها، به مفاهیم «حساسیت برانگیز» نیاز است. در حالی که برخلاف سوء تفاهم گسترده موجود، این مفاهیم خود از دانش نظری پیشینی متأثرند اما در این جا نظریه‌ها بر اساس مطالعات تجربی تدوین می‌شوند. برخی دانش و فعالیت‌های علمی را نوعی دانش و فعالیت محلی به شمار آورده‌اند.» (اووه، ۱۳۸۸: ۱۳).

بنابراین برای این تحقیق از قبل نظریه‌ای در نظر گرفته نشد و تلاش شد که ابتدا بر اساس مطالعه اسناد گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی، مدلی تهیه شود و سپس بر اساس یافته‌های تجربی بدست آمده از مصاحبه‌های عملی، مدل اولیه بر اساس استقراء کامل شود. مدل زیر برگرفته از چنین تلاشی است (البته این نکته نیز لازم به یادآوری است که با مطالعه پیشینه تحقیق و مباحث مربوط به سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی، نظریه‌ای در باره شیوه عضوگیری گروه‌های انقلابی به دست نیامد. تنها مدل نزدیک به بحث این مقاله، مدل بسیج چارلز تیلی است که آنهم در مبحث سازمان به بحث چگونگی عضوگیری پرداخته است).

نمودار ۱- مدل عوامل دخیل در عضوگیری گروه



عناصر اصلی مدل

۱- گروه :

در این مدل گروه، شامل موارد ذیل می باشد: نوع عملکرد گروه، خدمات درون گروهی، وجهه افراد فعال گروه و کاریزمای رهبران، علنی و غیر علنی بودن و قانونی یا غیر قانونی بودن، طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال گروه و وضعیت اجتماعی.

۱-۱- خدمات درون گروهی

منظور تسهیلات و کمک های مادی و دیگر خدمات رفاهی گروه به افراد جهت تشویق فرد برای عضو شدن در گروه است.

۱-۲- وجهه افراد فعال گروه و کاریزمای رهبران

منظور وجاهت و شهرت اجتماعی و سیاسی افراد فعال گروه و کاریزمای رهبران منسوب به گروه در جامعه می باشد که می تواند بر عضوگیری گروه مؤثر باشد.

۱-۳- طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال گروه

منظور تعیین طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال گروه و رهبران آن به طور کلی و تأثیر آن بر نوع عضوگیری گروه می‌باشد.

#### ۴-۱- وضعیت اجتماعی گروه

منظور نوع مواجهه و رویکرد مردم به گروه (ارزیابی مثبت و منفی جامعه از گروه) مثل: مذهبی بودن و نبودن گروه و... می‌باشد.

#### ۲- برنامه جذب

برنامه جذب شامل محتوای جذب، مخاطب جذب، نگرش به جذب، قالب‌ها و مراحل جذب می‌باشد.

#### ۱-۲- محتوای عضوگیری

مبانی فکری و اعتقادی گروه که ابتدائاً به عنوان عامل جذب ارائه می‌شد؛ چیستی محتوای جذب به صورت کلی (مثل استفاده از آیات و روایات و مفاهیم اسلامی و یا تئوری‌های مارکستی و...)، چگونگی ارائه محتوای جذب و اهداف گروه (اینکه محتوای جذب دارای مراحل گوناگونی بود یا نه) و منشاء خارجی و یا داخلی مدل عضوگیری گروه و... می‌باشد.

#### ۲-۲- مخاطب عضوگیری

عوامل مناسب عضوگیری در فرد از نظر گروه، تأثیر مهارت‌های فردی در انتخاب فرد، قشر هدف گروه، بازه سنی مورد نظر برای جذب، تأکید بر شهرها یا قومیت‌های خاص در عضوگیری‌ها می‌باشد.

#### ۳-۲- نگرش به عضوگیری

مقصود میزان تفوق جنبه‌های احساسی، عاطفی، انقلابی گری و در یک کلام عملگرایی در مقابل جنبه‌های عقلانی و آگاهی بخشی در رویکرد عضوگیری گروه می‌باشد و همچنین رویکردی انسانی و یا ابزاری به افراد.

#### ۲-۴- قالب‌های عضوگیری

قالب‌ها و خلاقیت‌ها، عبارتند از: روش‌ها و ابزارهایی که گروه برای عضوگیری از آن استفاده می‌کرد، مانند: اردو، کوهنوردی، مسجد، کتاب، جزوه، نشریه، داستان و رمان، حلقه‌های مطالعاتی، ارتباط‌گیری روشنفکران و علما با گروه، تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی...

#### ۲-۵- مراحل فرآیند عضوگیری

مراحل گوناگون عضوگیری افراد مانند: زیر نظر گرفتن وی / آشنایی اولیه / انگیزش / همکاری / عضویت رسمی / و... همچنین وجود مأمورین عضوگیری متفاوت در مراحل گوناگون عضوگیری.

#### ۳- فرد

در این مدل، منظور از فرد، وضعیت و پیشینه فرد، میزان و نوع ارتباط وی با گروه و میزان شناخت وی از گروه قبل از عضویت در گروه می‌باشد.

#### ۳-۱- وضعیت و پیشینه فرد

منظور وضعیت اقتصادی و اجتماعی فرد و همچنین عدم سوء پیشینه فرد مورد نظر برای عضوگیری می‌باشد.



### ۲-۳- زمینه‌های مشترک قبلی برای عضوگیری

در این جا منظور فعالیت‌های قبلی سیاسی - اجتماعی فرد می‌باشد، که زمینه‌ای برای عضویت فرد در گروه فراهم آورده است، مانند حضور در یک انجمن که بستری برای شناسایی افراد مناسب و استفاده از این زمینه در جهت عضوگیری آنها در گروه می‌شده است.

### ۳-۳- میزان شناخت فرد از گروه

منظور میزان شناخت فرد از گروه و اهداف آن قبل و در حین فرایند عضوگیری می‌باشد.

## شیوه‌های عضوگیری هیات‌های مؤتلفه اسلامی

### ۱- تاریخچه چگونگی شکل‌گیری هیات‌های مؤتلفه اسلامی

درباره چگونگی شکل‌گیری هیات‌های مؤتلفه چنین روایت شده است: «این جمعیت در بهار ۱۳۴۲ از ائتلاف سه گروه مذهبی به وجود آمد. گروه مسجد امین‌الدوله، گروه اصفهانی‌ها و گروه مسجد شیخ علی که در قالب هیئت‌ها و جلسات مذهبی فعالیت می‌کردند و با آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۴۱، به طور جداگانه فعالیت‌های چاپ و پخش اعلامیه‌های مراجع و علماء و برگزاری تظاهرات و راهپیمایی‌ها و مجالس سخنرانی‌ها را به صورت پراکنده داشتند. بعد از برقراری ارتباط با امام، به توصیه ایشان برای اتحاد با یکدیگر آشنایی پیدا کرده در قالب مؤتلفه به هم پیوستند» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ۲۲۲ و ۲۲۳).

توکلی بینا در مورد تشکیل مؤتلفه و نقش عمده امام (ره) در شکل‌گیری آن

می‌گوید:

«ما سه گروه مذهبی بودیم که امام ما را دعوت کردند و خدمتشان رسیدیم... امام ما را دعوت کردند و تشکر کردند و بعد فرمودند که از آنجایی که نیاز به وحدت داریم با هم متحد باشید و ما گفتیم چشم... نزد امام رفتیم به ایشان گفتیم که شما فرمودید متحد شوید و ما امر شما را اجرا کردیم و اسم گروه را مؤتلفه گذاشتیم» (توکل‌ی بینا، مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۸/۱۲/۱).

## ۲- ویژگی‌های هیأت‌های مؤتلفه اسلامی

### ۲-۱- خدمات درون گروهی هیأت‌های مؤتلفه

منظور از خدمات درون گروهی، کمکها و تسهیلاتی است که گروه برای اعضای فراهم می‌آورده و به نوعی این تسهیلات، از عوامل جذب فرد به گروه می‌شده است. در مورد هیأت‌های مؤتلفه چنین موردی صدق نمی‌کند. تنها موردی که در این زمینه قابل بیان است، کمک‌هایی بوده که مؤتلفه به خانواده‌های زندانیان سیاسی و یا اعتصاب کنندگان در جریان انقلاب می‌کرده است:

«سازمان مالی هیأت‌های مؤتلفه، کار رسیدگی به خانواده‌های زندانیان مؤتلفه و برخی اعضای غیر از این گروه، مجروحین جریانات سیاسی و همچنین، برآوردن نیازهای مالی این گروه را برعهده داشت. یکی از مهمترین منابع مالی مؤتلفه، وجوهات شرعی بود که از سوی مردم به دست روحانیون می‌رسید.» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۶۱ و ۶۲).

برای نمونه احمد احمد در خاطراتش به تلاش شهید محمد صادق اسلامی برای بکار گرفتن احمد در کارخانه «لعاب قائم» بعد از آزادی از زندان و فشار ساواک برای اخراج احمد اشاره می‌کند (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۸۷).

در مورد منبع کمک‌های مالی مؤتلفه باید گفت:

«یکی از مهمترین منابع مالی مؤتلفه، وجوهات شرعی بود که از سوی مردم به دست روحانیون می‌رسید. با توجه به رابطه بسیار نزدیک مؤتلفه با روحانیت، برخی از روحانیون، قسمتی از وجوهات را در اختیار اعضای این گروه قرار می‌دادند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۶۱).

ابوالفضل توکلی بینا در خاطراتش بیان می‌کند:

«در شش ماه آخر زندان... پس از تأملات و بحث‌های فراوان به این نتیجه رسیدیم که بهتر است فعالیت خود را در یک کار اجتماعی عام‌المنفعه متمرکز کنیم و در پوشش آن به جذب نیروهای مردمی بپردازیم و کار سیاسی خود را همچنان ادامه دهیم» (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

از دیگر خدمات مؤتلفه اسلامی باید به تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه و کمک به زندانیان اسلامی اشاره نمود:

«یکی از برنامه‌های مؤتلفه، تامین مالی مبارزین سیاسی بود، بویژه آنهایی که دستگیر و روانه زندان می‌شدند... اعضای مؤتلفه... با درآمدهای حاصل از آن، به خانواده‌های زندانیان سیاسی کمک نمایند. آنان از این طریق، حتی در ماههای قبل از پیروزی انقلاب، سهمی در پرداخت حقوق کارکنان ادارات و شرکت‌های دولتی، که در اعتصاب به سر می‌بردند، داشتند. گویا بازاریان [از طیف‌های سیاسی گوناگون] نقش بسیار مهمی در پرداخت هزینه زندگی اعتصابیون همانند کارکنان شرکت نفت، اساتید دانشگاه و کارگران در ماه‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ داشتند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۳۱).

البته اسدالله بادامچیان انگیزه این کمک‌ها را جذب و عضوگیری اعضای جدید

نمی‌داند:

«در مؤتلفه اصلاً هیچ انگیزه مالی یا امتیازگیری مطلقاً وجود نداشته است. همه افراد در معرض شهادت و دستگیری و... بودند و هیچ امتیاز مادی

و مالی نبوده است. تاسیس بنیاد رفاه و صندوق قرض الحسنه و... اینها هیچ کدام به نیت عضوگیری نبودند...» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۴/۲۳).

## ۲-۲- تأثیر وجهه افراد فعال هیأت‌های مؤتلفه و کاریزمای رهبران منتسب به

### گروه در عضوگیری

تأثیر کاریزمای رهبران و فعالان هیأت‌های مؤتلفه در جذب افراد به گروه زیاد بوده است. در نقل قول‌های ذیل دیده می‌شود که هم در شکل‌گیری مؤتلفه و هم در جذب افراد به گروه و انجام فعالیت‌ها، عامل کاریزمای رهبران بسیار مؤثر بوده است. از سویی علاقه وافر سران گروه به امام (ره) و از سویی دیگر شخصیت بارز و مورد اعتماد سران گروه در بازار هم در شکل‌گیری مؤتلفه و هم در جذب افراد به گروه و انجام فعالیت‌ها بسیار مؤثر بوده است. همچنین علاقه مردم به امام (ره) به عنوان اولین مرجع تقلیدی که از موضع دین وارد عرصه سیاست شده بود - بویژه بعد از عقده‌های فروخورده کودتای ۲۸ مرداد که گلوی مردم را می‌فشرد - همگی در این گرایش به سمت مؤتلفه مؤثر بودند:

«کسانی که پایگاه فعالیت شان یکی از این سه مسجد بود، همگی معتقد به مبارزه بودند چون فساد دستگاه طاغوت برایشان مشخص شده بود. اینها پس از شکست نهضت ملی به دنبال فرصتی برای انجام وظیفه می‌گشتند... بنابراین ملاحظه می‌کنید که این عزیزان با این نگرش، به دنبال مرجعی می‌گشتند که بتوانند از طریق ایشان هدایت درست پیدا کنند» (حاج حیدری، ۱۳۸۷: ۵۶-۸۸).

آقای حبیب ا... عسگراولادی نیز چنین اظهار می‌دارند که:

«نقش مرجعیت حیاتی بوده، اصل حیات مان را از مراجع مان بویژه از امام داشتیم، که ما را زنده کرد و حیات دوباره‌ای بخشید، ما و دوستان هم سن و سال من، که از سال ۱۳۳۲ در جریان امور بودیم، مأیوس شده

بودیم، از صحنه مبارزات کنار رفته بودیم. ولی با حضور امام برای ما حیات جدیدی پدید آمد» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

همچنین درباره تأثیر تأیید مؤتلفه از سوی امام (ره) بیان می‌کنند:

«در ابتدا مردم مؤتلفه را نمی‌شناختند، از وقتی مؤتلفه را امام تأیید کردند در بین همه قشرهایی که ما را می‌شناختند از احترام بالایی برخوردار بودیم و این اقبال به طرف ما بود» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

در مورد خود گروه باید گفت که سران مؤتلفه، خود - به نسبت در میان

اطرافیان - دارای وجهه کاریزمایی بوده‌اند:

«مثلاً حرف شهید عراقی برای همه آنها حجت بوده، ایشان با خیلی از شخصیت‌های سرشناس مذهبی و ائمه جماعات و روحانیون ارتباط داشتند. لذا حرف ایشان برای خیلی‌ها حجت بود و اگر ایشان تقاضای همکاری می‌کردند خیلی‌ها خالصانه و مخلصانه همکاری می‌کردند. آیت ... انواری به عنوان روحانی مرتبط با امام (ره) هر چی می‌گفت حرفش حجت بود. تیپ سران مؤتلفه در ابتدا به همین شکل بودند» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۸).

برخی، وجهه سران مؤتلفه را به خاطر سابقه مبارزاتی شان می‌دانستند:

«همه دوستان ما موجه بودند و سابقه مبارزاتی داشتند؛ مثلاً من خودم چند بار بازداشت شدم... این وجهه سران گروه بود که اعضای گروه به اعتبار آن می‌آمدند به گروه وصل می‌شدند» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

در ابتدای شروع به کار مؤتلفه که هنوز نام هیات‌های مؤتلفه را به خود نگرفته

بودند، معروف به ده نفره‌های خمینی، بودند:

«این تشکیلات به صورت ده نفر، ده نفری شدیم؛ که مشهور بود به ده نفره‌های خمینی، اینها در بهمن ۱۳۴۱ بود» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۶).

اگرچه بادامچیان، به نوعی سعی در برائت جستن از مفهوم واژه کاریزما به معنای غربی اش دارد، و در اوائل نهضت و شروع کار مؤتلفه، کاریزمایی برای امام قائل نیست، اما دست کم در گفته‌هایش می‌توان نقش جایگاه مهم مرجعیت امام (ره) را در بسیج مردمی دید:

«اگر می‌خواهیم ببینیم که علت جذب چیست؟ علت جذب انجام وظیفه است... مگر امام تا قبل از ظهور در عرصه، کاریزما داشتند؟... امام بعد از فوت آیت ا... بروجردی به عنوان یک مرجع تقلید بود و بعد وارد شد و مردم به ایشان توجه بیشتری کردند. این اقبال عامه مردم به مرجع تقلید که در فرهنگ مرجعیت شیعه است، مبنای دینی دارد و مبنای سیاسی غربی ندارد... امام می‌فرماید که همه هیچ هستیم؛ از همان ابتدا می‌فرماید: اسلام در خطر است، استقلال ایران در خطر است. علت جذب اصلاً کاریزما نبوده است. مسئله این است که من به عنوان یک طلبه می‌گویم اسلام در خطر است، برای انجام وظیفه دینی بیاید جمع شوید و اسلام را یاری کنید. هر که می‌خواست اسلام را یاری کند کجا باید می‌رفت؟ روحانی، به جامعه روحانیت می‌رفت؛ مدرسین، می‌روند به جامعه مدرسین، توده‌های عادی مردم هم در آن روزها، به مؤتلفه، در حوزه‌های ده نفره می‌آمدند» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۴/۲۳).

موارد یاد شده نشان می‌دهد که مؤتلفه تا حدودی از کاریزمای امام (ره) به عنوان مرجع تقلید استفاده می‌کردند. همین که گروه را به ده نفره‌های خمینی می‌نامیدند، نشانگر این موضوع است.

### ۲-۳- طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال در هیأت‌های مؤتلفه

در این قسمت می‌خواهیم ببینیم آیا طبقه اجتماعی و اقتصادی اعضای فعال و رهبران گروه در نوع عضوگیری‌های‌شان تأثیری داشته است؟ یعنی آیا افرادی که جذب گروه شدند، از همان، طبقه اجتماعی - اقتصادی سران گروه بودند؟ خود سران گروه عمدتاً از بازاریان بودند:

«مؤسسان این گروه عمدتاً از کسبه و اصناف بازار بودند که در فعالیت‌های مذهبی و سیاسی دارای سوابق گوناگونی بودند و برخی از آنها تجارب عضویت در گروه‌های سیاسی را نیز داشتند» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ۲۲۳).

مذهب گرایی با گرایش سنت گرایانه، و بازاری بودن، از ویژگی‌های عمده مؤتلفه‌ای‌ها بوده است:

«دومین ویژگی مهم فکری - اجتماعی هیات‌های مؤتلفه، گرایش‌های سنتی شدید، در میان اعضای آنان بود... سومین خصوصیت برجسته هیأت‌های مؤتلفه، ماهیت بازاری آنها بود. این گروه از دل بازار تهران سربرآورد و بعد از آن هم، نفوذ خود را در میان بازاریان برخی شهرهای دیگر ایران گسترش داد. اقشار طبقه متوسط سنتی جامعه و جوانان دارای مشاغل رده پایین در بازار، بیشتر اعضای این گروه را تشکیل می‌دادند... در مجموع... هیأت‌های مؤتلفه... گروهی کاملاً مذهب‌گرا با گرایش سنت‌گرایانه، به شمار می‌آمد و پایگاه اجتماعی آن، عمدتاً در بازار قرار داشت... بنا به اعتقاد برخی، اعضای مؤتلفه، در واقع، غیرروشنفکر بوده و هیات‌های مذهبی فعال در بازار، متشکل از تجار و شاگردان آنان را دربرمی‌گرفت» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۴ و ۱۲۷).

از آنجایی که منشاء مؤتلفه در بازار بوده، نوعاً افرادی هم که جذب می‌شدند از بازار بودند و مؤتلفه در جذب اقشار دیگر چندان موفق نبوده است. البته طبیعی است که در فضای چپ زده دهه چهل، اقشاری چون روشنفکران و دانشجویان، تمایلی به حرکات مذهبی نداشته باشند و خلاء حرکت‌های مذهبی دانشگاه‌ها را هم تا حدود زیادی انجمن اسلامی و در ادامه، نهضت آزادی پر کرده بود. اقشار حقوق‌بگیر و وابسته به دولت مانند کارمندان به علت همین وابستگی، در کل اقبال کمتری به سمت فعالیت سیاسی داشتند و غالباً در حد سمپات ظهور پیدا می‌کردند.

#### ۴-۲- وضعیت اجتماعی هیأت‌های مؤتلفه اسلامی

ورود یک مرجع تقلید به عرصه سیاست و شناخته شدن گروه به عنوان ده نفره‌های خمینی حکایت از وجهه اجتماعی این گروه دارد، اگرچه سران اصلی مؤتلفه، خود از سرشناسان و معتمدان بازار بوده‌اند و نوع فعالیت‌ها و سابقه مبارزاتی‌شان، بر این وجهه آنها می‌افزوده است.

تا مدت‌ها مردم، مؤتلفه را به نام ده نفره‌های خمینی می‌شناختند، یک نمود مهم مؤتلفه در میان مردم، پخش وسیع اعلامیه در مدت زمان کوتاهی بوده است:

«این تشکیلات به صورت ده نفر، ده نفری شدیم؛ که مشهور بود به

ده نفره‌های خمینی... مردم می‌دانستند که یک مجموعه است که در ارتباط با

امام خمینی است و مثلاً وقتی در یک شب کل تهران اعلامیه پخش

می‌کردیم، می‌فهمیدند. تا قبل اجرای حکم در مورد منصور به نام مؤتلفه

نبود، همان ده نفره‌های خمینی بود...» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده،

۱۳۸۹/۳/۲۶).

در مجموع به نظر می‌رسد که همان منتسب بودن به امام خمینی (ره) مهم‌ترین

علت وجهه خوب اجتماعی آنها بوده است:



«در ابتدا مردم مؤتلفه را نمی‌شناختند، از وقتی مؤتلفه را امام تأیید کردند در بین همه قشرهایی که ما را می‌شناختند از احترام بالایی برخوردار بودیم؛ و این اقبال به طرف ما بود» (توگلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

### ۳- برنامه عضوگیری هیات‌های مؤتلفه:

#### ۳-۱- محتوای و مبانی فکری عضوگیری هیات‌های مؤتلفه

برای بررسی محتوا و مبانی عضوگیری مؤتلفه، به بررسی محتوای ارائه شده در جلسات و کلاس‌ها و نشریات و جزوات می‌پردازیم. حاج مهدی عراقی به تعداد جلسات مؤتلفه اشاره می‌کند؛ نوعاً مسائلی که در آنجا مطرح می‌شده، مسائل اعتقادی بوده است:

«مؤتلفه‌ای‌ها وقتی از امام (ره) می‌پرسند که چه کنیم؟ ایشان می‌گویند که مسائل مذهبی تان را با آقایان بهشتی و مطهری و هاشمی و... مطرح کنید و مثلاً آقای مطهری در آنجا انسان و سرنوشت را مطرح می‌کند که مبانی اعتقادی است و ضمن اینکه حرف آقای مطهری هم برای آنها حجت بوده است. یا شهید بهشتی برای آنها مبانی نهضت امام حسین (ع) را مطرح می‌کرد... اینها آیت... انواری را می‌آوردند، مباحث اعتقادی برایشان می‌گفت» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۸).

همچنین مطالب به صورت جزوه در می‌آمده و در حوزه‌ها پخش می‌شده است: «آنها (روحانیت) مسائل تعلیماتی را از جهت ایدئولوژی بررسی می‌کردند، به صورت جزوه‌ها خلاصه اش می‌کردند، و در حوزه‌ها به حساب تدریس می‌شد. یک گروه هم بود که مسئول بررسی‌های سیاسی بود» (مقدسی و دیگران، ۱۳۵۷: ۱۶۷ و ۱۶۸).

عزت شاهی در باب اولین جلسه‌هایی که در یکی از محافل مؤتلفه بوده است می‌گوید:

«در آن جلسات بیشتر آیات قرآن گفته و تفسیر می‌شد و حدیث می‌گفتند و از نهج البلاغه استفاده می‌کردند بیشتر جلسات مذهبی بود و سعی می‌کردند که بیشتر آیات و احادیثی که جنبه سیاسی و مبارزه دارند را مطرح کنند» (عزت شاهی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۱).

ابوالفضل حاج حیدری در گفتگویی با کتاب ماه فرهنگی - تاریخی یاد آور اشاره می‌کند:

«مرحوم شهید بهشتی در تدریس شب‌های چهارشنبه در هیئت مؤتلفه جلسه تدریس نهج البلاغه داشتند و در بین توضیحاتی درباره مطالب نهج البلاغه، تفسیری هم از اوضاع روز ارائه می‌دادند» (حاج حیدری، ۸۸-۱۳۷۸: ۵۷).

بخشی از آنچه در «حوزه»‌های مؤتلفه مورد مطالعه قرار می‌گرفت عبارت بودند از:

«... بحث عقیدتی، تفسیر سیاسی امور داخلی، تفسیر سیاسی امور خارجی، مطالعه انقلاب‌های آزادی بخش، جمع‌آوری حق عضویت اعضا و برآوردن نیازهای سازمانی... تا سال ۱۳۴۳ هشت جزوه تشکیلاتی - سیاسی حاوی مسائلی در مورد حزب، ضرورت مبارزه، عضوگیری و غیره که عنوان جزوه یا درس هشتم «ضرورت مبارزه در شرایط فعلی از نظر شرعی» بود در اختیار حوزه‌های مؤتلفه قرار گرفته بود» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ۲۲۴-۲۲۶).

حاج مهدی عراقی در بیان فعالیت‌ها نقل می‌کند:

«با آقای بهشتی جلساتی... داشته باشیم... البته ظاهر جلسه تدریس اصول عقاید اسلامی و درس‌هایی از اصول کافی بود ولی در حقیقت مبارزه

با رژیم مطرح می‌شد، بخصوص در جریان و بعد از جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی، که فعالیت ما گسترش یافت» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۴۱ و ۱۴۲).

توکلی بینا اشاره‌ای به مبانی عاشورا دارد و از تعلیم سخنگو در حوزه‌ها می‌گوید: «جهت، جهت مبارزات بود و سخنرانان نوعاً شاگردان امام بودند. تفکرات امام و راه مبارزه و اینها را ارائه می‌دادند. از قیام عاشورا و انگیزه‌های آن استفاده می‌شد» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

بادامچیان فرایند متقاعد کردن افراد را این گونه تشریح می‌کند: «عمده این بود که اعتقادات شرعی را به طرف می‌رساندند و بعد می‌گفتند خب حالا این وظیفه را به صورت فردی انجام دهیم یا جمعی؟ جمعی تشکیلاتی و یا پراکنده؟» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۶).

درباره محتوای نشریات درون گروهی مؤتلفه آمده است: «هیأت‌های مؤتلفه، در دوره تشکیلات سازمانی خود، نشریات درون گروهی نیز داشتند، که فقط در اختیار اعضای مؤتلفه قرار می‌گرفت. یکی از آنها جزوهای بود با عنوان انسان و سرنوشت... جزوه مهم دیگر، حکومت در اسلام نام داشت که توسط دکتر بهشتی و دکتر باهنر... منتشر می‌شد، نشریات درون گروهی دیگری هم در بین اعضای هیأت‌های مؤتلفه منتشر می‌شد که برخی از آنها در مورد مسائل سیاسی همچون حزب، ضرورت حزب، عضوگیری و ضرورت مبارزه در شرایط فعلی از نظر شرعی بود و برخی دیگر، به موضوعاتی هم چون خانواده در اسلام و همچنین اخلاق اجتماعی، در زمینه فرهنگی، می‌پرداختند. این گروه، نشریه‌ای ماهانه نیز داشت که تفسیر سیاسی ماه در آن منتشر می‌شد» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۲۷).

در پاسخ به این سؤال که مؤتلفه برای جذب افراد به گروه، چه محتوا و مبانی فکری‌ای را مطرح می‌کرد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اولاً، اگر عضویت را به معنای ورود فرد به حوزه‌های ده نفره مؤتلفه بگیریم، به نظر می‌رسد که تا این مرحله، جز اعتماد افراد به مسئول هر حوزه، یا کلیت جریان مؤتلفه از یک طرف، و از سویی متقاعد کردن افراد با استفاده از گفتگو و...، محتوای خاص دیگری در کار نبوده است. البته شاید محتویات نشریه‌های پیش‌تر یاد شده در جذب افراد مؤثر بوده باشد. اما اگر جذب را یک فرایند در نظر بگیریم می‌توان با توجه به شواهد بالا ادعا کرد که عمده محتوای جذب مؤتلفه، همان اصول اعتقادی و معرفت‌شناختی دینی در رابطه با مسائل روز بوده است که توسط شهید مطهری و شهید بهشتی و آیت... انواری و دیگران از طریق سخنرانی، کلاس و نشریات مطرح می‌شده است. در جلسات مؤتلفه‌این مسائل در قالب تکالیف اجتماعی دینی هر فرد و برای حفظ کیان دین و نفی سلطه ظالم مطرح می‌شده و نهایتاً فرد را آماده مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قالب فعالیت‌های گروه می‌کرده‌اند.

ثانیاً، علاوه بر بحث «اعتماد به سران مؤتلفه» به نظر می‌رسد بخشی از اعضای مؤتلفه هم در برنامه‌هایی غیر از برنامه‌های ایدئولوژیک مؤتلفه و حتی قبل از آن تحت تعلیم قرار گرفته بودند و بعد از تشکیل مؤتلفه، از این سرمایه‌ها استفاده شده است. در این باره توکلی بینا می‌گوید:

«در قبل از عضوگیری خیلی نمی‌شود این بحث‌ها را مطرح کرد، چون همه دوستان ما خودشان موجه بودند و سابقه مبارزاتی داشتند» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

احمد قدیریان نیز اشاره می‌کند:

«در این مسجد (شیخ علی)... هر شب چهارشنبه‌ها، برنامه داشتیم... مرحوم حاج صادق بچه‌ها را آن‌جا شناسایی کرد... مرحوم حاج صادق برای ترور منصور، محمد بخارایی، نیک نژاد، و صفار هرنندی و برادران دیگری را - که آن‌ها را تعلیم داد - آماده کردند. ایشان رابط شاخه‌ای از هیأت مؤتلفه بود» (نبوی و سرابندی، ۱۳۸۳: ۵۸ و ۵۹).

بخشی از افراد مبانی اعتقادی شان را قبل از ورود به مؤتلفه کسب کرده بودند، و برای آنها مؤتلفه بیشتر بستر بحث‌های سیاسی بود. هاشم امانی در مصاحبه با نشریه‌ای می‌گوید:

«... حوزه‌های ما این تیب افراد بودند، برای همین لزومی نداشت برای آنها کلاس‌های عقیدتی بگذاریم، فقط می‌گفتیم چه حرکتی می‌توانیم بکنیم» (اسلامی، نشریه ذکر، ۱۳۸۸).

### ۳-۲- نحوه معرفی گروه به فرد

اینکه گروهی در یک نظام سیاسی، وضعیت قانونی و یا غیر قانونی، مخفیانه یا علنی داشته باشد یا خیر، این وضعیت را به او در حین عضوگیری اعلام کنند یا نه، و خود اشخاصی که می‌خواهند به عضویت درآیند از این موضوع اطلاع داشته باشند یا خیر، تاثیر زیادی بر نوع عضوگیری گروه می‌گذارد.

«ماهیت این گروه... مخفیانه بود. در اولین اساسنامه این گروه، اصول تقیه، بطور دقیق و کامل مورد توجه قرار گرفته بود... این سازمان، از گروه‌های ده نفره مستقل و مجزا تشکیل می‌شد که به غیر از سرگروه، و در واقع، مسئول گروه مورد نظر، بقیه افراد گروه ده نفر، از گروه‌های همسان و تشکیلات بالاتر هیچ اطلاعی نداشتند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۵۸ و ۵۹).

ظاهراً امام (ره) نیز افراد را از عضوگیری آزاد منع نموده بودند:

«بنا به روایتی، امام خمینی (ره)، اعضای مؤسس این گروه را از عضوگیری آزاد و علنی منع نمود و به آنها توصیه کرد تا فقط افراد شناخته شده، برای عضویت دعوت شوند. بنا به روایتی دیگر، جلسات رهبران این گروه، بصورت کاملاً مخفیانه و سری و در مواقعی همچون اذان صبح، تشکیل می‌گردید» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۵۸).

یکی از فعالان اصلی مؤتلفه فرایند معرفی گروه به فرد را توضیح می‌دهد: «وقتی در جلسات و هیئات و... اعتماد پیدا می‌کردیم که فردی واجد صلاحیت است با او در میان گذاشته می‌شد که ما گروهی هستیم که فعالیت‌های سیاسی اجتماعی داریم و آرام آرام به او توضیح می‌دادیم و بعد تقاضای عضویت می‌داد و مراحل را طی می‌کرد... نوع معرفی گروه به فرد مستتر در این بود. یعنی خود فرد وقتی عضوگیری می‌شد می‌فهمید که این گروه، یک گروه علنی نیست» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

ظاهراً فرد در جریان کلیت گروه قرار می‌گرفت، اما ضرورت کار تشکیلاتی اقتضاء می‌کرد، طرف زیاد در جریان اشخاص و روابط آنها قرار نگیرد:

«به اقتضای افراد فرق می‌کرد. فرد می‌دانست که این جریان مربوط به امام، مراجع و نهضت روحانیت است. طرف می‌دانست این تشکیلات با امام ارتباط دارد، حالا اینکه چه کسی کارگردانی (مدیریت) می‌کند، معمولاً کسی دنبال نمی‌کرد و خودشان هم نمی‌گفتند» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

از آنجا که غالباً نوع فعالیت‌های معمولی گروه (به جز ترور منصور) از نوع تکثیر و توزیع اعلامیه و نشریه و برگزاری مجالس سخنرانی و عزاداری و... در مناسبت‌ها - که رنگ و بوی سیاسی هم داشته‌اند - بوده است، طبیعتاً فرد به صورت طبیعی در جریان این امر قرار می‌گرفته است، اما هنگام عضوگیری و داخل شدن در گروه:

«هر فرد تنها از فرد ما فوق و ده نفر ذیل خود مطلع بوده است که طبیعت حرکت سیاسی در فضای اختناق است» (اسلامی، مصاحبه نگارنده،

(۱۳۸۹/۵/۳۰)

### ۳-۳- اقتباس مدل عضوگیری

با توجه به اینکه مؤتلفه گروهی بود که خود را پیرو صرف مرجعیت تقلید می‌دانست و امام هم آنان را از گرایش به سوی احزاب بر حذر داشته بود و بر طبق مرامنامه و اساسنامه خود بدنبال یک تشکیلات کاملاً اسلامی بودند، بنابراین نه تنها در عضوگیری، بلکه مدل سازماندهی گروه هم از جایی اقتباس نشد. فقط می‌توان گفت به واسطه اعضایی که قبلاً در فدائیان اسلام بودند، از تجربیات مبارزات قبلی استفاده می‌کردند.

«پس از این ائتلاف اکثریت قریب به اتفاق گروه‌های اسلامی خودجوش به آنها پیوستند و سپس بعضی دستجات سیاسی نیز ابراز علاقه کردند که با مؤتلفه اسلامی وارد ائتلاف شوند از جمله جبهه ملی و نهضت آزادی. در مورد جبهه ملی به علت ملی‌گرایی رد شد ولی در مورد نهضت آزادی چون تردید بود برادران به امام مراجعه کردند و ایشان فرمود: آنها از شما در اینگونه امور مسلط تر هستند و شما را به دنبال خود می‌کشاند شما کار خودتان را بکنید، بنابراین ائتلاف با نهضت آزادی انجام نگرفت» (رضایی، ۱۳۸۲: ۵۸).

همچنین در این باره آمده است:

«اولاً امام تاسیس این حزب را بر اساس اسلام ناب محمدی توصیه فرمودند و امر کردند که هیچ یک از اعضای احزاب موجود اعم از ملی-مذهبی و چپ‌ها را به عضویت نپذیرید و با آنها همکاری نکنید، یعنی می‌خواستند یک گروه مستقل و ناشی از قرآن و حدیث به منصف ظهور برسانند» (عسگر اولادی، ۱۳۷۸-۸۸: ۵۵).

بادامچیان هم در کتابش در همین راستا سخن می‌گوید:

«تشکل‌های موجود آن روزگار، معمولاً از غرب یا شرق، سرمشق گرفته بودند، جبهه ملی و نهضت آزادی... تشکل‌های کمونیستی... اما در

مؤتلفه اسلامی، انگیزه افراد و تشکل، انگیزه خدایی بود، جهت انجام وظیفه الهی و کسب رضوان... و اطاعت از مراجع تقلید و نایب امام زمان (ع) و فقهای اسلام و... دور هم جمع شده بودند» (بادامچیان، ۱۳۷۸: ۴۲).

خاطره محسن رفیق دوست، یک مثال روشن از این رویکرد مؤتلفه‌ای‌ها در آن

برهه است:

« بعد از جدا شدن از جبهه ملی، به نهضت آزادی پیوستم... اعضای نهضت آزادی، انسان‌هایی معتقد بودند... آنان انسان‌هایی متدین و نماز خوان بودند، ولی چیزی در مرامنامه آن‌ها مبهم بود و آن اینکه مرامنامه آن‌ها با این جمله شروع می‌شد: ما ایرانی هستیم و مسلمان، و باز روی ایرانی بودن تکیه داشتند؛ ولی چون انسان‌هایی مذهبی بودند از جبهه ملی پذیرفتنی‌تر بودند. من فعالیت خودم را تا آغاز نهضت امام خمینی و تشکیل هیأت‌های مؤتلفه با آنان ادامه دادم و بعد با تشکیل هیأت‌های مؤتلفه از آنان جدا شدم» (قاسم پور، ۱۳۸۳: ۲۸).

ملاک‌های عضوگیری گروه هم، این را نشان می‌دهد:

«این تشکیلات حالا می‌خواهد عضوگیری کند، عضو را متعهدانه می‌گیرد. آدمهای متدین، در خط مرجعیت و روحانیت و آماده برای انجام وظیفه در دین... ویژگی‌های عضو دقیقاً بر اساس مبانی دینی است... تازه امام به ما فرمودند که عضویت نه، برادریابی» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۵).

#### ۴- مخاطب عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه

##### ۴-۱- عوامل مهم عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه



یکی از عوامل مهم عضوگیری، تعهد بوده است: «در آن دوره از دوستانی که متعهد بودند و خودشان را در برابر مشکلات مسؤل می‌دانستند دعوت می‌شد که در جلسات شرکت نمایند» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۴۱ و ۱۴۲).

البته منظور از تعهد، هم تعهد به جامعه بوده است؛ یعنی طرف انگیزه مبارزه سیاسی داشته باشد:

«سه مسئله اصلی مطرح بود... سوم اینکه دارای انگیزه سیاسی مبارزاتی باشد. یک کسی را می‌بینید که انگیزه‌ای ندارد و بی تفاوت است، خوب کار کردن روی این فرد خاصیتی ندارد» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

و هم تعهد به گروه بوده است:

«بعضی کارها بود که اطمینان نمی‌شد که به طرف گفته بشود که ما شاخه نظامی داریم. چون ممکن بود که این طرف در یک بازداشت و در بازجویی، در صورت شکنجه همه چیز را به آنها بگوید. این هم هست که لا به لای این افراد کسانی که که بیشتر راز نگه دار بودند و قدرت تحفظ مطالب را داشتند و قدرت جسارت مبارزه را داشتند ارزش بیشتری داشتند... برای کارهای خاص از آنها استفاده می‌شد» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

اعتقادات مذهبی از اصلی‌ترین عوامل مؤتلفه بوده است:

«بسیاری از اعضای مؤتلفه، سابقه فعالیت در جبهه ملی و بویژه نهضت آزادی ایران را داشتند و یا از هواداران آن گروه‌ها بودند، ولی با شروع حرکت سیاسی روحانیت و به دلیل گرایش شدید مذهبی، بعد از تشکیل مؤتلفه، به این گروه پیوستند و تحت رهبری روحانیت قرار گرفتند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۲).

غالب افرادی که جذب می‌شدند، از شرکت کنندگان در جلسات مذهبی بودند:

«معیار عضوگیری این گروه، عمدتاً بر اساس مسائل مذهبی بود، زیرا غالباً افرادی برای عضویت در این گروه دعوت می‌شوند که در جلسات مذهبی مساجد، همچون دعای ندبه و قرائت قرآن شرکت می‌کردند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۵۰).

بواسطه اهمیت اعتقادات مذهبی و سفارش امام (ره)، برادریابی می‌کردند: «و ایشان در آن روز دو - سه تا دعا کردند و یکی اینکه شما در عضوگیری برادریابی کنید... ببینید عضوگیری ما، بر مبنای آن امر امام که برادریابی کنید، یک مبنای اسلامی بود، بنابراین با جوان‌های مؤمن و معتقد در مسجد و هیئت‌ها، دوستان ارتباط برقرار می‌کردند» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

یکی از لازمه‌های اعتقادات مذهبی و تدین، فقهاتی بودن وی بوده است: «در مرحله اول متدین فقهاتی تابع مراجع تقلید را قبول داشتیم...» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

همچنین باید به عامل احساس تکلیف دینی در فرد اشاره کرد: «مجموعه عزیزانی که در هیأت‌های مؤتلفه بودند، صرفاً به دنبال ادای وظیفه و ادای تکلیف بودند و هیچ اعتقادی به این نداشتند که محلی را دائر کنند به نام حزب و کاسبی برای خودشان راه بیاندازند» (حاج حیدری، ۱۳۸۷-۸۸: ۵۸).

بادامچیان در همین خصوص می‌افزاید:

«رابطه ارتباطی بر اساس اعتماد و شناخت از هم و انجام وظیفه دینی در خدمت مراجع بود» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۵).

از دیگر عوامل عضویت می‌توان به عدم عضویت در دیگر گروه‌ها اشاره کرد: «اولاً امام تأسیس این حزب را بر اساس اسلام ناب محمدی توصیه فرمودند و امر کردند که هیچ یک از اعضای احزاب موجود اعم از ملی،

مذهبی و چپ‌ها را به عضویت نپذیرید و با آنها همکاری نکنید» (عسگر اولادی، ۸۸-۱۳۷۸، ۵۵).

نگاه اسدا... لاجوردی به دیگر گروه‌ها، از همین رویکرد نشأت می‌گیرد: «در آن شرایط همه امید ما به مذهبی‌ها بود و تنها به آنان فکر می‌کردیم و روی نیروی آنها حساب می‌کردیم و حتی به خودمان اجازه نمی‌دادیم در آن شرایط با کسانی که به مسائل مذهبی با یک علاقه وافر و به عنوان یکی از مقدس‌ترین اهداف نمی‌نگریستند رابطه‌ای برقرار کنیم، بالاخص جبهه (ملی) را یک تشکیلات بدون ایدئولوژی می‌شناختیم و یا تشکیلاتی که ایدئولوژیهای متناقض در آن جمع می‌باشد» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

در مورد عامل جنسیت در مؤتلفه، لازم به توضیح است که از زن‌ها عضوگیری نداشتند و در صورت لزوم از آنها استفاده می‌کردند:

«عضوگیری زن، در حوزه‌های ده نفری نداشتیم، اما به عنوان همکار، در میدان مبارزه بودند. مثلاً به دیدار مراجع می‌رفتند و یا در جلوی زندان می‌آمدند و در مجالس و مراسم و هیأت‌ها و خانه‌ها، صحبت‌هایی می‌کردند» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

حاج مهدی عراقی می‌گوید:

«عضو زن هیچی نداشتیم. چون تصمیم نداشتیم و به اندازه کافی مرد داشتیم... چرا، مثلاً خانواده‌های ما اکثراً اعلامیه‌هایی را که می‌آوردیم، آنها در خانه می‌نشستند دسته بندی می‌کردند، چهار تا می‌کردند و بعد هم ما می‌بردیم برای تقسیم بندی. از این کارها از وجود خانم‌ها در منزل استفاده می‌کردیم» (مقدسی، همان: ۱۷۲).

به طور کلی شواهد حاکی از آن است که مهم‌ترین عامل عضوگیری مؤتلفه به سفارش امام (ره) برادر یابی بوده است، پس در لوای آن، با تحقیقاتی از محل کار، خانواده و دوستان فرد، به افراد مؤمن فقاهتی - که فعالیت سیاسی را تکلیف خود

می‌دانستند -، متعهد، معتمد و دارای اصالت خانوادگی، رجوع می‌کردند و با علم به علاقه فرد به مبارزه سیاسی و عدم عضویت وی در دیگر گروه‌ها، وی را به عضویت می‌پذیرفتند. شناسایی برخی از افراد هم در ضمن کارهای محوله ابتدایی انجام می‌شد، بدین صورت که فرد را محک می‌زدند. ضمن اینکه مؤتلفه در آن دوره از حضور زنها در تشکیلات استفاده نکرد. البته عضوگیری شاخه نظامی مؤتلفه به علت خطیر بودن شرایط، متفاوت بود، و شهید عراقی و شهید امانی به صورت مستقل برای این شاخه عضوگیری می‌کردند. کما اینکه شواهد نشان می‌دهد، ضرورت وجود یا عدم وجود چنین شاخه‌ای خود از اختلافات درونی مؤتلفه بوده است.

«البته شاخه نظامی به صورت مستقل، خود حاج مهدی عراقی و... عضوگیری می‌کردند. اما دیگر شاخه‌ها چون شاخه تبلیغات و... توسط رابط و در ارتباط با شورای مرکزی عضوگیری می‌کرد» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

#### ۲-۴- قشر هدف عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه

در مورد حضور زنها در مؤتلفه باید یادآور شد که در اوائل دهه چهل - که اوج فعالیت‌های مؤتلفه بود - در مقایسه با دهه پنجاه، هنوز از حضور زنها در عرصه سیاسی چندان خبری نیست، کما اینکه وجه سنتی مؤتلفه خود مزید بر علت می‌شد تا از ورود زنها به عرصه سیاست امتناع ورزند. شواهد مبنی بر عدم عضویت زنها در مؤتلفه را قبلاً مرور کردیم و در این جا از ذکر مجدد آن امتناع می‌نماییم، اما این نکته را اشاره می‌کنیم که در مواردی از حضور زنها استفاده می‌شده است: مانند تجمع برابر کاخ شاه یا دیدار با مراجع در سال‌های ۴۳ و ۴۴.

اما به طور کلی باید خاطر نشان کرد که مؤتلفه به پیروی از مشی امام (ره) در پی آن بود که با توده مردم ارتباط بگیرد:

«البته می‌دانید که در جذب اعضاء، همه جور افرادی بود، دانشجوی بود، تحصیلکرده بود، از حوزه بودند» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

یکی از کانال‌های عمده ارتباط با مردم، از طریق روحانیت بوده است: «البته مؤتلفه... ارتباط قوی و تنگاتنگ با روحانیت محترم در سراسر کشور برقرار کرده بود و از همه قشرها و طبقات گوناگون در آن عضویت داشتند و بنا بر اساس برادری اسلامی هر کس از هر قشر و صنف و در هر حد از تحصیل و موقعیت‌های اجتماعی که دارای ویژگی‌های اسلامی بود، با هم همراهی می‌کردند» (بادامچیان، ۱۳۷۸: ۴۵).

اگرچه فعالان مؤتلفه قائل به این هستند که همه اقشار را پوشش می‌دادند، اما همان طور که در قسمت ۲-۳- (طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال در هیات‌های مؤتلفه) آمد، این گروه بیشتر از آنکه در جذب روشنفکران، دانشجویان، دانش‌آموزان و کارگران توفیق داشته باشد، در جذب بازاریان اعم از تجار و مغازه داران و شاگرد بازرای‌ها موفق بوده است. از آنجایی که مؤتلفه یک گروهی کاملاً اسلامی بود به لحاظ ایدئولوژیکی تأکیدی بر روی قشر و طبقه خاص نداشت، اما نسبت به گرایش‌های سیاسی افراد و گروه‌ها حساس بودند:

«به نظر می‌رسد یکی از علل مهم گرایش صرفاً مذهبی و مخالف ملی‌گرایی اعضای هیات‌های مؤتلفه، ارتباط نزدیک اعضای آن، با طیفی از روحانیون مخالف ملی‌گرایی در جهان اسلام، همچون بهشتی و مطهری و هاشمی رفسنجانی بود... اعضای این گروه حتی در جلساتی که در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی برگزار می‌کردند، بر آن بودند تا فقط افرادی را که، بنا به اظهارات برخی از آنان، در خط اصیل اسلام و روحانیت قرار داشتند، در جلسات سیاسی خود، شرکت دهند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۵۱ و ۵۲).

این رویکرد گروه، در عمل جمع آنان را به طیف خاصی محدود می‌کرد که جعفریان از آنها با نام بچه‌های مسجد یاد می‌کند:

«این تشکل (مؤتلفه) را بیش از آنکه بتوان یک سازمان سیاسی از نوع سازمان‌های چپ نامید، تشکلی است که باید از آن با نام بچه‌های مسجد یاد کرد» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۷۳).

غالب محققان هم، قشر بازار و متدینین را برای آنها به کار می‌برند: «قشر جذب شده، بازار و متدینین بودند چرا که نفوذ و حوزه کارشان همان جا بود» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۸).  
کما آنکه برخی هم قائلند که اقشار طبقه متوسط سنتی جامعه و جوانان دارای مشاغل رده پایین در بازار، بیشترین اعضای این گروه را تشکیل می‌دادند.

#### ۳-۴- بازه سنی مورد نظر هیأت‌های مؤتلفه

متوسط سن اعضای درجه اول مؤتلفه بر طبق آمار، بین ۳۰ تا ۳۵ سال می‌باشد و متوسط سن اعضای درجه دوم و درجه سوم مؤتلفه بین ۲۳ تا ۲۷ سال می‌باشد. شهید عراقی در مورد شاخه نظامی می‌گوید:

«مرحله دیگرش این بود که از ۲۵ سال عاملین را نگذاریم که سنشان بالاتر باشد، چون یکی از مسائلی که مطرح بود تحرک بود در این کار» (مقدسی، همان: ۲۰۶ و ۲۰۷).

---

۱- این ارقام حاصل استخراج از جداول مشخصات اعضای درجه یک، دو و سه مؤتلفه از پژوهشی با عنوان زمینه‌ها و علل تشکیل هیئت‌های مؤتلفه و عملکرد آنان تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷. پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ص ۵۵ و ۵۶، حسین پور قنبر (۱۳۸۷)، می‌باشد.

## ۵- نگرش هیات‌های مؤتلفه به عضوگیری

به نظر می‌رسد تحت تأثیر گفتمان دینی جدیدی که امام (ره) ایجاد کرده بودند و بازخوانی همین گفتمان توسط شاگردان ایشان در بین اعضاء، رویکرد گروه، رساندن فرد به یک تکلیف و وظیفه شرعی در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است تا بدین طریق فرد را با انگیزه و آگاهی دینی به عرصه فعالیت بکشانند.

«... در مرحله دوم کسانی که آمادگی دارند و یا حتی آنهایی که آمادگی ندارند برایشان نیرو ایجاد کنیم با تشکیل جلسات به این نوع افراد، وظایف یک فرد مسلمان را تفهیم کنیم و به آنها بیاموزیم... نیروهایی که واقعاً مسلمان هستند ولی فکر می‌کنند این کار جزء وظایف‌شان نیست، ما باید به آنها تفهیم کنیم که نخیر وظیفه شرعی است و ثانیاً کسانی را که حتی در خط این نوع مسائل نیستند را بتوانیم با ایجاد جلساتی آماده کنیم و به نیروهای خودمان اضافه کنیم» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

حتی در شاخه نظامی هم وقتی که به انتخاب اعضاء نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که آگاهی بخشی به فرد، هم در زمینه مسائل ایدئولوژیک و هم در زمینه مسائل سیاسی مد نظر بوده است و قصد استفاده ابزاری از افراد در جهت اهداف گروه مد نظر نبوده است.

«اولاً فکر کرده بودیم افرادی که برای کار نظامی انتخاب می‌شوند حد اقلش این باشد که از جهت ایدئولوژی در یک سطحی باشند که بتوانند در هر مرحله ای از عمل خودشان دفاع بکنند، یعنی تطبیق دادن عمل با ایدئولوژی و دوم اینکه باز حد اقلش این باشد که از اوضاع و احوال جاری مملکتشان با اطلاع باشند» (مقدسی، همان: ۲۰۶ و ۲۰۷).

سعی می‌شده که از هر فرد به اندازه توانش استفاده کنند:

«ما می‌خواستیم تکلیف و باری که بروی دوش افراد می‌گذاشتیم، برای فرد قابل تحمل باشد و خارج از توانش نباشد. قصد فریب افراد را

نداشتیم و می‌خواستیم عاشورایی رفتار کنیم. قصد جمع کردن عده و غده را نداشتیم، می‌گفتیم اگر می‌خواهی بیایی، بیا این مسیر خداست. اما جزمیت نداشتیم که مثلاً همه باید اسلحه دست بگیرند، هر کس به اندازه وسعش» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

وی در جایی دیگر اشاره می‌کند:

«مبنا این بود که طرف می‌خواهد انجام وظیفه کند و در خدمت مراجع قرار گیرد. هر کس با افراد مورد اعتماد خودش ارتباط می‌گرفت... صحبتی هم از تشکیلات و دعوت به تشکیلات نبود» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۵).

#### ۶- قالب‌های عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه

قالب‌های جذب که مؤتلفه با استفاده از آنها عضوگیری می‌کرده است عبارتند از: جلسات در منازل، مساجد، اردوها و شناسایی افراد در مراسم‌ها و تظاهرات‌ها و غیره. جو سنگین خفقانی که بر جامعه حاکم بود، مجالس و محافل این چنینی را جهت عضوگیری می‌طلبید:

«در آن شرایط با سیطره ساواک و ترس و وحشتی که در جامعه وجود داشت، نمی‌شد افراد زیادی را وارد جریان‌های مسلحانه کرد... گروه‌ها و دستجات سیاسی در اوضاع کشور نقشی نداشتند. تنها روزنه افراد جامعه، محافل و مجامع غیر سیاسی و ادبی و فرهنگی بود و نمی‌شد به کسی اطمینان کرد» (امانی، سایت اینترنتی مؤتلفه).

جلسات فرهنگی قبل از فروپاشی مؤتلفه به طور مرتب برگزار می‌شد: «این جلسات فرهنگی که در میان گروه‌های ده نفره انجام می‌شد، بصورت هفتگی به ترتیب در منزل هر یک از افراد حوزه بطور مخفیانه برپا می‌شد» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۱۲۳).



تا زمانی که هیأت‌های مؤتلفه دارای تشکیلات منظم بود؛ آموزش فکری- مذهبی اعضای مؤتلفه، بصورت منظم و سازمان یافته انجام می‌شد، اما با فروپاشی تشکیلات این گروه، این فعالیت‌ها، به گونه‌ای دیگر ادامه یافت. از همان اوایل سال ۱۳۴۴، برخی اعضای مؤتلفه، فعالیت‌هایی همچون برگزاری دعا‌های مذهبی، تدریس علوم مذهبی و برپایی اردوهای آموزشی را در دستور کار خود قرار دادند. این فعالیت‌ها بصورت مخفیانه و به دور از چشم ماموران حکومتی انجام می‌شد و تقریباً تا اواخر دهه ۱۳۴۰ تداوم داشت.

«بسیاری از اعضای مؤتلفه در جلسات فکری- مذهبی، همچون مکتب قرآن، انصارالحسین و محبان‌الحسین که طی سال‌های ۱۳۴۸- ۱۳۵۳ برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند... شرکت‌کنندگان در جلسات افراد شناخته شده مؤتلفه، نهضت آزادی و حزب ملل بودند... بیشتر شرکت‌کنندگان در این جلسه؛ اعضای مؤتلفه بودند... علاوه بر این سه هیات، یک سری جلسات مذهبی... توسط اعضای مؤتلفه، بر پا می‌شد. هم چنانکه تعدادی از اعضای مؤتلفه در جلسات مسجد هدایت... به سخنرانی آیت‌... طالقانی، حاضر می‌شدند و سرانجام، برخی از اعضای مؤتلفه... در برنامه‌های فرهنگی مسجد قبا... نقش فعالی داشتند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۱۲۴ و ۱۲۵).

چگونگی جذب افراد به مؤتلفه از زبان یکی از افراد اصلی گروه اینگونه آمده

است:

«شیوه‌هایی که ما در هیئات استفاده می‌کردیم چون این موضوعات (عاشورا و...) خیلی دارای انگیزه است، وقتی افراد همدیگر را در یک جا می‌بینند و جهت مشخص می‌شود، زودتر می‌شود آنها را جذب کرد. ما از همان امتیازات برخوردار بودیم و فرد را در همین هیئت‌ها انتخاب می‌کردیم» (توکلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

بادامچیان هم در این زمینه می‌افزاید:

«برای باورمند کردن فرد به مبارزه، از چند زمینه استفاده می‌شد: یکی همین هیئت‌های دینی بود، کلاس‌های آموزشی قرآن و عربی و ... یکی هم دوره‌های آموزشی درون گروهی. اینها هم برای شناسایی افراد برای عضوگیری بودند... منبرهای علماء، هیئت‌های دینی، بیانیه‌های امام و مراجع تقلید و روحانیت و نشریه‌ها...» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

برخی از افراد در برگزاری مراسم‌ها و تظاهرات‌ها شناسایی می‌شدند: «بعد از فرمایش امام مبنی بر حفظ این ارتباطات... تشکیلات افرادی را که با آنها کار کرده بود و شناخته بود که در تظاهرات و... آمده بودند، را دور خودش جمع کرد، اما هنوز به عنوان حوزه (تشکیلاتی) و... نبود.» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۸۹/۳/۲۵).

فعالیت‌های عام‌المنفعه نیز از دیگر قالب‌هایی بود که از آن برای فعالیت‌های سیاسی و عضوگیری استفاده می‌شد. در قسمت خدمات درون گروهی هیأت‌های مؤتلفه اسلامی این فعالیت‌ها را بیان کردیم و در این جا فقط به یک مورد اشاره می‌کنیم. توکلی بینا در مورد آزادی‌اش پس از زندان می‌گوید:

«پس از تأملات و بحث‌های فراوان به این نتیجه رسیدیم که بهتر است فعالیت خود را در یک کار اجتماعی عام‌المنفعه متمرکز کنیم و در پوشش آن به جذب نیروهای مردمی بپردازیم و کار سیاسی خود را همچنان ادامه دهیم... این کار، پس از آزادی از زندان به انجام رسید و بنیاد رفاه، بنیان‌گذاری شد. امید ما بر آن بود که بتوانیم از طریق بنیاد رفاه، به اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود برسیم» (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

روابط دوستانه نیز از دیگر قالب‌ها برای جذب اعضای جدید بود. هاشم امانی در گفتگویی با نشریه ذکر می‌گوید:

«حوزه‌های حزبی را چه کسانی اداره می‌کردند...؟ هر کس هر قدر فرصت اداره داشت، وقت می‌گذاشت، مثلاً من چهار حوزه چهل نفره داشتم. ارتباطات دوستانه بود و بر اساس اعتمادی که به هم داشتند» (اسلامی، نشریه ذکر، ۱۳۸۸).

روایت شهید عراقی حاکی از تعمد مؤتلفه در عضوگیری‌های دوستانه است: «افراد جوری بودند که حتماً، هم چون محیط بیشتر کاسب بودند، بیشتر در محیط بازار بودند، یا اگر در خیابان هم بودند ارتباطی وجود داشت. بعد هم تحقیق می‌شد، زیر نظر گرفته می‌شد... این یک مقدار اثر روانی دارد... در هر حال گروهی که یک سال یا دو سال و یا بعضی شان سابقه ده سال رفاقت دارند و با همدیگر جمع شده‌اند، حالا ما بیایم اینها را سوا بکنیم از همدیگر و یک معجونی این وسط در بیاوریم. ممکن است بعضی از خصوصیات نخواند با همدیگر، حالا این را ما می‌بریم در کانال خودش» (مقدسی، همان: ۱۶۹-۱۷۲).

نشریه و جزوه از دیگر راههایی بود که افراد را متمایل به جذب در مؤتلفه می‌کرد. در قسمت محتوا و مبانی فکری عضوگیری هیات‌های مؤتلفه شواهدی در مورد نشریه‌ها و جزوات آورده شد و در اینجا به یک نمونه اکتفا می‌شود:

«برخی طلاب حوزه علمیه قم، نشریه‌هایی به نام‌های بعثت و انتقام را در سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۴، راه‌اندازی کرده بودند که هیات‌های مؤتلفه، در توزیع، و بویژه، حمایت مالی آن، نقش مهمی ایفا می‌کردند... و نسخه‌های آن، عمدتاً در میان اعضای مؤتلفه به فروش می‌رسید... هیات‌های مؤتلفه، در دوره تشکیلات سازمانی خود،

نشریات درون گروهی نیز داشتند، که فقط در اختیار اعضای مؤتلفه قرار می‌گرفت...» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۲۷).

با مرور قالب‌های جذب مؤتلفه متوجه می‌شویم که عمده جذب مؤتلفه از طریق مجالس عزاداری و محافل فرهنگی- اعتقادی- سیاسی در منازل و مساجد و اردوها و... بوده است. یکی دیگر از این قالب‌ها، شناسایی افراد در مراسم‌ها و تظاهرات‌هایی بوده است که در آنجا به نحوی افراد را شناسایی کرده و یا محک می‌زدند. بعد از سال ۱۳۴۴ و با منفع‌شدن فعالیت‌های مؤتلفه، اعضای بیرون از زندان و اعضای که آزاد شدند تصمیم گرفتند که در پوشش کارهای عام‌المنفعه به جذب نیرو بپردازند. روابط خویشاوندی تا حدودی در اعضای اصلی مؤتلفه بوده است. از روابط دوستانه، به مراتب در عضوگیری‌ها استفاده می‌شده است. بعلاوه نشریه و جزوه هم از قالب‌های اصلی جذب در مؤتلفه بوده است.

#### ۶- مراحل فرآیند عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه

##### مراحل و مأمورین عضوگیری

فرآیند کلی عضوگیری هر یک از سه شاخه مؤتلفه از یکدیگر مستقل بوده است و نقطه اشتراک آنها گروه تحقیق بوده است:

«البته، حالت استقلال در هر گروه بود، ولی در عملیات، یک عملیات واحد داشتند... آن وقت، فقط چیزی که بود، چون ممکن بود عضوگیری به این صورت در بیاید که یک فردی را یک دفعه دو گروه برونند عضوگیری بکنند، برای خاطر اینکه به این صورت انجام نشود، یک گروه تحقیق بود از سه گروه که این اعضای جدیدی که می‌خواستند عضوگیری بکنند را، آنها کنترل می‌کردند که اگر فرض کن که آن گروهی فرد را عضوگیری کرده بود، اگر در گروه دیگر اسمش می‌آمد، رد می‌کرد. حتی برای خاطر اینکه مثلاً این

گروه هم نفهمد که این عضوگیری شده، عدم صلاحیتش را اعلام می‌کرد» (مقدس‌ی و دیگران، ۱۳۵۷: ۱۶۷ و ۱۶۸).

کمیته سه نفره‌ای، مسئول تأیید و یا رد افراد بوده است:

«ما یک کمیته سه نفره داشتیم که بنده بودم و آقای شهید صادق امانی و شهید عراقی که وقتی همه مراحل عضوگیری طی می‌شد پرونده نزد این کمیته می‌آمد و تأیید آخر از سوی این کمیته سه نفره بود. ... لذا آخرین مرحله عضوگیری و تأیید یا رد کردن در آنجا انجام می‌شد» (توگلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

افراد از طریق معرفی فرد مورد نظر به مسئول بالاتر، کمیته سه نفری را در عضوگیری یاری می‌کردند:

«فردی که افراد را شناسایی می‌کرد و یا می‌شناخت، به رابط در حوزه خودش معرفی می‌کرد. رابط او نام افراد را می‌فرستاد برای مسئول بالاتر و در نهایت به گروهی... می‌رسید که تحقیقات می‌کردند» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۴/۲۳).

کل فرایندی که برای عضوگیری طی می‌شد از زبان یکی از افراد کمیته سه نفره عضوگیری به دست می‌آید:

«وقتی در جلسات و هیئات و... اعتماد پیدا می‌کردیم که فردی واجد صلاحیت است با او در میان گذاشته می‌شد که ما گروهی هستیم که فعالیت‌های سیاسی اجتماعی داریم و آرام آرام به او توضیح می‌دادیم و بعد تقاضای عضویت می‌داد و مراحل را طی می‌کرد و نهایتاً در آن کمیته سه نفره، یک چک دیگر می‌شد... فرد وقتی همه مراحل عضوگیری را می‌گذراند به این کمیته می‌آمد و در آنجا به لحاظ سوابق دوستان ما که سابقه مبارزاتی و زندان و... داشتند، اینها را چک می‌کردند، که ببیند فرد صلاحیتی دارد؟... البته شاخه نظامی به صورت مستقل، خود حاج مهدی عراقی و... عضوگیری می‌کردند» (توگلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

این فرایند برای شاخه نظامی مؤتلفه، طولانی‌تر بوده است:

«برای شاخه نظامی، افرادی را انتخاب می‌کردیم که از تمام ویژگی‌های آنها باید آگاهی پیدا می‌کردیم. ضمناً آنها دوره‌های آموزشی خاصی هم از نظر عملیاتی و هم از نظر عقیدتی باید ارائه می‌دادند و بدون آن آموزش‌ها، طرف عضو نمی‌شد و به همین علت افرادی را ناچاراً تصفیه می‌کردند» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

مؤتلفه در مرحله جذب خیلی پیچیده نبوده و پس از اعتماد به یک شخص، نام وی به صورت سلسله مراتبی به کمیته مرکزی می‌رسیده و در کمیته سه نفری و به روایتی پنج نفری جذب، که شامل افراد مبارز سیاسی بود، مطرح می‌شده است. پس از تحقیقات در صورت تأیید، وی را جذب می‌کردند و طرف در حوزه‌های گروه سازماندهی می‌شد. در کل به دلیل اینکه محتوای جذب هم خیلی پیچیده نبود، نیاز به مرحله بندی نبوده است. البته در عضوگیری شاخه نظامی، سخت‌گیری بیشتری می‌شده است.

## ۷- ویژگی‌های فرد مورد نظر برای عضوگیری از نظر هیأت‌های مؤتلفه

### ۷-۱- وضعیت و پیشینه فرد

با توجه به نگاه اسلامی این گروه به بحث مبارزه، جبراً رویکرد مؤتلفه به عضوگیری، رویکرد طبقاتی نبود، حتی برخی از اعضای این گروه، نگاه‌های ملی‌گرایانه دیگر گروه‌های مذهبی چون نهضت آزادی را بر نمی‌تافتند. بررسی وضعیت و پیشینه فرد فقط برای اطمینان از عدم عضویت وی در آن واحد، در گروه‌های دیگر و یا سوء پیشینه فرد و اطمینان از تدین و تعهد فرد بوده است. علاوه بر این از آنجایی که محمل عضوگیری مؤتلفه، هیئت‌های مذهبی بازار بوده است، نوعاً افرادی هم که به این گونه هیئت‌ها رفت و آمد می‌کردند طبقات سنتی جامعه بودند و تفاوت در سطح اقتصادی افراد هم، با شرط وجود دیگر ملاک‌های اصلی گروه، تفاوتی در عضوگیری

ایجاد نمی‌کرد. اگرچه ملاک عمده خود گروه، به سفارش امام (ره)، برادر یابی بوده است که ملزومات خاص خودش را داشت، از جمله این که معیارهای قومی و طبقاتی و ... نداشته باشند.

«اولین هدفمان این بود که تمام نیروهایی را که در این زمینه فعالیت می‌کنند جمع کنیم و در یک خط و صف واحد بصورت متشکل و منظم کارها را انجام دهیم تا نیروها همدیگر را خشتی نکنند» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

برادر یابی هم ملزومات خاص خودش را دارد، از جمله اینکه معیارهای قومی و طبقاتی و ... نداشته باشند:

«در مؤتلفه همه گروه‌ها هستند. کارمندان دولت هم بودند، مثلاً از کارمندان کارخانه تانک سازی عضو داشتیم، معلم و کارگر و کشاورز استاد و دانشجو و... بود. از همه قشرها داشتیم. بنابراین ما یک فرا عضویتی داشتیم و مبنای آن هم تدین و تقلد بودن بود... این تقسیم‌بندی‌هایی که می‌کنند و قائل به این هستند که مؤتلفه‌ای‌ها فقط در جذب بازاریان موفق بوده‌اند، درست نیست و مربوط به کسانی است که در رأس مؤتلفه بودند... هسته اولیه مؤتلفه، اکثراً کاسب بود... اینکه مؤتلفه‌ای‌ها شغل شان بازاری بوده، دلیل نمی‌شود که اینها یک طبقه اقتصادی بودند که بر علیه ناهنجاری‌های اقتصادی اعتراض داشته‌اند و این به خاطر منافع اقتصادی نبوده است» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

#### ۷-۲- زمینه‌های مشترک قبلی برای عضوگیری هیات‌های مؤتلفه

سه گروه تشکیل دهنده مؤتلفه یعنی بچه‌های مسجد شیخ علی و مسجد امین‌الدوله و بچه‌های اصفهان، چه از طریق ارتباطات‌های‌شان در تهران و چه بواسطه رفت و آمدهای‌شان به بیت امام (ره)، شناخت‌هایی حتی در حد رفاقت از هم دیگر داشتند:

شهید اسلامی در باره جریان ائتلاف می‌گوید:

«بعد از قضیه، متوجه شدیم که گروه‌های دیگری هم با امام در رابطه هستند... وقتی به آنها پیشنهاد کردیم خوش‌شان آمد و قرار شد جلسه مشترکی داشته باشیم و کارهای مان را هماهنگ کنیم. وقتی که (با هم) نشستیم، دیدیم که خیلی از این آقایان رفقای ما هستند، یعنی من نمی‌شناختم‌شان، ولی رفقای دیگرمان مثل مرحوم صادق امانی، آقای عسگر اولادی را خوب می‌شناختمند. بعد آنها هم باز یک گروه دیگر را می‌شناختمند. با این سه گروه قرار گذاشتیم یک برنامه مشترک داشته باشیم و اساسنامه‌ای برای این کار تنظیم کردیم.» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۴۸ و ۱۴۹).

برخی از این ارتباطات و همکاری‌ها حتی قبل از تشکیل مؤتلفه شکل گرفته بود: «من خودم و دوستانم که در شورای مرکزی بودند سر کلاس درس حاج احمد مجتهدی در مسجد امین‌الدوله حضور پیدا کردیم. من شاگرد ایشان بودم. ما (من و آقای عراقی و آقای عسگر اولادی و...) اکثر رفقایمان را در آن سه گروهی که مشخص است، در مسجد امین‌الدوله پیدا کردیم، و شاگرد آقای مجتهدی بودیم» (توگلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

در مورد وضعیت درونی این هیأت‌ها هم، هر کدام از هیأت‌های مؤتلفه در درون خود یک سری جلسات و آموزش‌ها و اردوها و ... داشتند که همین‌ها شبکه‌ها، سرمایه اجتماعی این هیأت‌ها برای مؤتلفه بود.

### ۷-۳- میزان شناخت فرد از هیأت‌های مؤتلفه

همان طور که از نام این گروه مشخص است، مبدأ و منشاء گروه، هیأت‌های مذهبی بوده است. محمل عضوگیری گروه هم از هیأت‌ها بوده است. قاعدتاً از قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و فراندم انقلاب سفید شاه و بویژه



بعد از ائتلاف رسمی این گروه در نوروز ۱۳۴۲، اعضای گروه تا حدود زیادی از آن شناسایی پیدا کرده بودند و به طور کلی می‌دانستند که مجموعه‌ای فعال و مرتبط با امام (ره) وجود دارد. ضمن اینکه نمود اصلی گروه، پخش سریع اعلامیه‌های امام (ره) در زمانی کوتاه بوده است.

«یک ماه این مجالس برگزار شد و حتی روحانی که از منبر پایین می‌آمد، لباس روحانیت را از تن او در می‌آوردیم و او را عوض می‌کردیم و آلاً نمی‌شد در دو روز یک روحانی در مجلس سخنرانی کند، چون او رامی‌گرفتند. در این مراحل کاملاً مشخص می‌شود که این گروه دارای چه اعتباری است و چه اعتقاداتی دارد... جهت، جهت مبارزات بود، و نوعاً شاگردان امام بودند و تفکرات امام و راه مبارزه و اینها را ارائه می‌دادند» (توگلی بینا، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱).

فرد در جریان کلیت گروه قرار می‌گرفت، اما ضرورت کار تشکیلاتی اقتضاء می‌کرد، طرف زیاد در جریان اشخاص و روابط آنها قرار نداشته باشد:

«به اقتضای افراد فرق می‌کرد. وقتی طرف متوجه می‌شد که مجموعه‌ای در خدمت امام کار می‌کند و مرتبط با امام است، یک کسی را که مقلد آیت ... مرعشی یا آیت ... شریعتمداری یا آیت ... بهبهانی و... بود یا اصلاً روحانی معتبر در محل؛ از طریق آنها می‌فهمیدند که ما با امام در ارتباطیم و به این طریق با ما مرتبط می‌شدند. البته به خاطر مسائل امنیتی این نبود که افراد گروه، به فرد معرفی شوند، فرد می‌دانست که این جریان مربوط به امام و مراجع و نهضت روحانیت است» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

وجهه اجتماعی مؤتلفه هم در قسمت وضعیت اجتماعی هیات‌های مؤتلفه

اسلامی بحث شده است:

«در سال ۴۲ در جامعه می‌گفتند که یک گروه‌های ده نفره‌ای تشکیل شده و در حال فعالیت بودند و خیلی همگون نبودند چون هیأت‌های مختلفی بودند و حال و هوای مختلفی داشتند» (معادینخواه، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۱۴).

### نتیجه‌گیری

جهت سهولت کار، نتیجه‌گیری را به صورت جدولی آورده‌ایم تا جنبه‌های گوناگون عضوگیری هیأت‌های مؤتلفه اسلامی را ملاحظه نماییم.

هیأت‌های مؤتلفه اسلامی	شاخصه	گروه
گروه تسهیلات و کمک‌های مادی به اعضاء، جهت جذب آنها به گروه نداشته است، اما به خانواده اعضایی که در راه مبارزه به زندان می‌افتادند کمک می‌کرده است.	خدمات درون گروهی	گروه
کاریزمای امام (ره) به عنوان مرجع تقلید و رهبران اصلی گروه، هم در شکل‌گیری مؤتلفه و هم در جذب افراد بسیار مؤثر بوده است.	تأثیر و وجهه افراد فعال و کاریزمای رهبران	
مؤثر بوده و نوعاً افرادی هم که جذب می‌شدند از طیف بازاریان سنتی و متدین بودند. (به صورت ناخواسته‌ای) مؤتلفه در جذب اقشار دیگر چندان موفق نبوده است.	طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال	
وضعیت اجتماعی گروه در جامعه خوب بوده است و در جذب گروه بسیار مؤثر بوده است. خود گروه تا حدودی از این شرایط خوب برای عضوگیری استفاده می‌کرده است.	وضعیت اجتماعی گروه	
تکلیف شرعی فرد در برابر اجتماع، حفظ کیان دین و نفی سلطه ظالم.	محتوای جذب	محتوای جذب
فرد از طریق فعالیت‌های گروه و یا معرفی ضمنی گروه، تا حدود زیادی در جریان ماهیت گروه قرار می‌گرفته است، اما هر فرد تنها از فرد ما فوق و ده نفر ذیل خود مطلع بوده است که طبیعت حرکت سیاسی در فضای اختناق است.	نحوه معرفی گروه به فرد	
مدل بومی و منحصر به فرد (برادر یابی در هیأت‌ها). از تجربیات اعضای خود که قبلاً فعالیت سیاسی می‌کردند، استفاده می‌کرده است.	اقتباس مدل عضوگیری	

شیوه‌های عضوگیری هیات‌های مؤتلفه اسلامی ... / ۲۶۵

<p>مهم‌ترین معیار برادر یابی بوده است که در تدین از نوع فقهاتی، تعهد دینی نسبت به جامعه (انگیزه مبارزه داشتن) و نسبت به گروه (قدرت سرنگداشتن)، تجلی پیدا می‌کرده است. عدم عضوگیری از زنان (ضمن استفاده موردی از زنها)، عدم عضویت در دیگر گروه‌ها. برای شاخه نظامی علاوه بر اینها، بر معیارهای قدرت ایدئولوژیکی، سن کمتر از ۲۵ سال، اطلاعات سیاسی کافی، مقاوم در مقابل شکنجه، شجاعت و ایثارگری تأکید می‌کردند.</p>	<p>عوامل عضوگیری</p>
<p>تأثیر نداشته است. مگر مهارت‌های سازماندهی تجمعات و مراسمات و...</p>	<p>تأثیر مهارت‌های فردی</p>
<p>با وجود تمایل به عضوگیری از همه قشرها، بیشتر در جذب بازاریان متدین و غالباً سنتی (قشر متوسط سنتی) موفق بودند. عدم استفاده از زن‌ها در عضوگیری.</p>	<p>قشر هدف عضوگیری</p>
<p>اعضای درجه یک: ۳۰ تا ۳۵، اعضای درجه دو و سه: ۲۳ تا ۲۷، شاخه نظامی: بین ۱۸ تا ۲۵</p>	<p>متوسط بازه سنی</p>
<p>تأکید بر شهرها و قومیت خاصی بر قومیت و شهر خاصی نداشتند. فقط با اصفهان رابطه تشکیلاتی داشتند. اما مواردی بوده که در یک روز و یک ساعت خاص در بسیاری از شهرها اعلامیه پخش کرده‌اند که طبیعتاً نشان از وجود عضو است. (مانند مشهد، تبریز و قزوین)</p>	<p>تأکید بر شهرها و قومیت‌های خاص</p>
<p>آگاهی بخشی به فرد با استفاده از انگیزه‌های دینی (رویکرد دینی تکلیف محور)، عدم سوء استفاده از انگیزه‌ها و توانایی‌های افراد.</p>	<p>نگرش به عضوگیری</p>
<p>مجالس عزاداری و محافل فرهنگی - اعتقادی - سیاسی در منازل و مساجد و اردوها و مراسم‌ها و تظاهرات، نشریه و جزوه، روابط شغلی و راهپیمایی‌ها و تجمعات و...</p>	<p>قالب‌های عضوگیری</p>
<p>پس از کسب اعتماد، فرد به مسئولین بالاتر معرفی می‌شده است. تایید فرد معرفی کننده و نهایتاً تایید فرد توسط هسته مرکزی جذب، کافی بوده است.</p>	<p>مراحل و مامورین عضوگیری</p>
<p>بازه زمانی خاصی مد نظر نبوده است و پس از اطمینان یافتن از سوابق، روحیات، خانواده و علایق فرد و... او را عضوگیری می‌کردند.</p>	<p>بازه زمانی مورد نظر گروه برای عضوگیری فرد</p>
<p>تدین و ریشه‌های خانوادگی فرد مهم بوده است. عدم رویکرد طبقاتی. عدم عضویت همزمان در گروه‌های دیگر.</p>	<p>وضعیت و پیشینه فرد</p>
<p>جلسات و برنامه‌های داخل هر یک از شاخه‌های مؤتلفه که یک هیأت بودند، سرمایه اجتماعی آنها برای عضوگیری بود.</p>	<p>زمینه‌های مشترک قبلی برای عضوگیری</p>
<p>از همان ابتدا به ده نفره‌های خمینی مشهور بودند. ولی افراد گروه شناخته شده نبودند. از ویژگی‌های بارز آنها پخش تعداد زیادی اعلامیه در مدتی کوتاه بوده است.</p>	<p>میزان شناخت فرد از گروه</p>

فرد

## منابع

- اووه، فلیک. (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- بادامچیان، اسد.... (۱۳۸۷)، *آشنایی با جمعیت مؤتلفه اسلامی*، چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بادامچیان، اسد.... (۱۳۸۴)، *بررسی تحلیلی نهضت آزادی ایران*، تهران: اندیشه ناب، چاپ اول.
- پور قنبر، حسین. (۱۳۸۷)، *زمینه‌ها و علل تشکیل هیئت‌های مؤتلفه و عملکرد آنان تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷*. پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)*، قم: نشر مورخ، چاپ هشتم.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۶)، *سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام (۸۸-۱۳۴۴)*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد اول، چاپ سوم.
- حاج حیدری، ابوالفضل. (۸۸-۱۳۷۸)، *یادآور*، کتاب ماه فرهنگی تاریخی ویژه آغاز چهارمین دهه انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۵۴.
- دلاور، علی. (۱۳۷۴)، *روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی*، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول.
- رضایی، احمد، (۱۳۸۲)، *تاریخچه مؤتلفه اسلامی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- طاهر احمدی، محمد. (۱۳۸۴)، *خاطرات ابوالفضل توکلی بینا*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. چاپ اول.
- قاسم پور، داوود. (۱۳۸۳)، *خاطرات محسن رفیق دوست*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

- کاظمی، محسن. (۱۳۸۸)، **خاطرات احمد احمد**. تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ پانزدهم.
- مقدسی، محمود. دهشور، مسعود، شیرازی، حمیدرضا. (۱۳۷۰)، **ناگفته‌ها، خاطرات مهدی عراقی**، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
- مقدم، کاظم. (۱۳۸۰)، **خشونت قانونی**، قم: انتشارات محدث و دفتر نشر برگزیده. چاپ اول.
- نبوی، سید حسین. سرابندی، محمد رضا. (۱۳۸۳)، **خاطرات حاج احمد قدیریان**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- یاران امام به روایت اسناد ساواک. (۱۳۷۷)، **شهید سید اسدا... لاجوردی**، به همراه **یادداشت‌های زندان**، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. چاپ اول.
- احمد، احمد. مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۳/۱۳.
- اسلامی، محمد مهدی. مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۵/۳۰.
- اسلامی، محمدمهدی. گفتگو باهاشم امانی. ذکر. شماره: ۳۶. تیر ماه ۱۳۸۸.
- بادامچیان، اسدا... مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۳/۲۵.
- بادامچیان، اسدا... مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۲۴.
- تبریزی، مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۳/۲۸.
- توکلی بینا، ابوالفضل. مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۸/۱۱/۱.
- عزت‌شاهی (مطهری)، عزت، مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۲/۲۱.
- معادینخواه، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۱۴.
- Almond, Gabriel A. and Coleman, James S., eds. (1960). **The Political of Developing Areas**. Princeton: Princeton University Press.
- Blondel, Jean. (1990). **Comparative government**. Great Britain: Philip Allan.
- Seligman, Lester E. (1967). **Political Parties and the Recruitment of Political Leaders**. New York: John Wiley and Sons.